

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

بحثی که مطرح بود این بود که آیا تقسیم تزامم را به این شکلی که آقای نائینی فرمود مورد قبول است یا نه؟ آقای خوبی فرمود این تزاممی که آقای نائینی فرمود همان تعارض بالعرض است. آقای روحانی کلام آقای نائینی را توجیه کرد اگرچه در نهایت ایشان هم تزامم را نپذیرفت و قائل شد که مورد از موارد تعارض بالعرض است.

نقد و تحقیق

نکته ی اول: اگر واقعا بتوانیم کاری کنیم که فرمایش آقای نائینی توجیه شود خوب است ولی توجیه قابل قبول نه توجیه غیر قابل قبول و ما معتقدیم توجیه آقای روحانی توجیه قابل قبولی نیست. چون معلوم شد که از محکومات باب تعارض و تزامم این است که تعارض مشکل در جعل دارد ولی تزامم مشکل در امتثال دارد (حتی آقای نائینی می گفت در تزامم جعل هم شده است). اگر نشانه های دیگر هم در کلام ایشان دیده شود باید برگردد به این محکم لذا اگر می خواهیم بگوییم بر مبنای آقای نائینی این مورد از تزامم است نه از تعارض باید روی این ملاک پافشاری کنیم. آقای روحانی گفت تزامم يتحقق نزد آقای نائینی به اینکه احد الدلیلین موضوع دلیل دیگر را از بین ببرد بوجوده او بامتثاله. من نمی گویم این غلط است ولی این از محکومات باب تعارض و تزامم نیست و نهایتا باید برگردد به اینکه مشکل در جعل نیست و مشکل در امتثال است چون این اصل است. لذا باید ببینیم این مثال (زکات) مشکل در جعل دارد یا مشکل در امتثال. اگر مشکل در جعل داشته باشد حق با آقای خوبی است و اگر مشکل در امتثال داشته باشد حق با آقای نائینی است.

نکته ی دوم: آقای نائینی در این مثال فرمود: در مسأله ی زکات ما سه گروه دلیل داریم که در باب ادله ی زکات وجود دارد. یک دلیل می گفت هر انسانی یک سال کامل 25 شتر داشت باید آخر سال پنج گوسفند زکات بدهد. یک دلیل دیگر می گفت هر انسانی یک سال کامل 26 مالک 26 شتر داشت باید یک بچه شتر (بنت مخاض) زکات بدهد. یک دلیل دیگر هم می گوید المال الواحد لا یزکی فی العام الواحد مرتین.

فرض کنید یک انسانی از اول محرم تا آخر ذی حجه مالک 25 شتر بود. این شخص مشمول دلیل اول است. فرض کنید روز اول محرم سال بعد شترهایش 26 تا شد، تا آخر سال دوم یک بنت مخاض می دهد و اصلا نوبت به دلیل سوم هم نمی رسد. اما فرض آقای نائینی این بود که شخصی از اول محرم 25 شتر دارد تا اول رجب، اول رجب شترهایش می شود 26 تا، آخر ذی حجه باید زکات 25 تا را بدهد، مشکل از زمانی که اول رجب برسد که از 26 شتر داشتن یک سال بگذرد در این جا دو دستور دارد یک دلیل می گوید یک بنت مخاض بده و دلیل سوم می گفت المال الواحد لا یزکی فی العام الواحد مرتین. هر جا ما باید از شارع بپرسیم که کدام حرفت درست است و به کدام حرف باید عمل کنیم نشانه ی تعارض است. نظیر مجمع در «اکرم العلماء»، «لاتکرم الفساق». لذا اگر در این جا می توان حق را به آقای خوبی داد چرا که محکومات باب تعارض در این جا وجود دارد نه محکومات باب تزامم.

نکته ی سوم: یک تلاشی مرحوم آقای روحانی کرد که ما گفتیم این تلاش غیر مشکور است. ولی به نظر من دو عامل باعث شده است آقای نائینی پای تزامم را به میان بکشد نه تعارض البته با حفظ محکومات باب تعارض و تزامم.

وجه اول تقدم رتبی فی نفسه: در باب تعارض از آن جایی که مشکل در جعل است اصلا بحث رتبه بندی نیست، سابق و لاحق ندارد، اهم و مهم ندارد. و این امور مربوط به تعارض نیست. در تعارض بین دو یا چند دلیل یکی از آن ها درست است. ولی در تزاحم این امور وجود دارد و این امور مربوط به باب تزاحم است. آقای نائینی وقتی دیده است که در این مثال رتبه بندی وجود دارد گفته است که تزاحم است یعنی یک خاصیتی در مورد دیده است که برای باب تزاحم است نه باب تعارض لذا گفته است این مثال از تزاحم است. ولی اگر این بوده است این مطلب جواب دارد چون ما نباید تحقق خارجی ادله را ببینیم. وقتی می خواهیم برای تزاحم و تعارض داوری کنیم باید مجموع ادله را ببینیم و ببینیم که این ها مشکل در جعل دارند یا مشکل در امتثال. الآن این سه دلیل که ما بیان کردیم (مالک 25 تا پنج گوسفند، مالک 26 تا یک بچه شتر، یک مال در سال واحد دویار زکات داده نمی شود) اگر کسی این گزارش را از دین بدهد و بپرسد آیا این ادله قابل جعل هستند یا نه؟ سه جواب احتمال دارد. قابل جعل است مطلقا، قابل جعل نیست مطلقا، برای برخی مشکل پیدا نمی شود و برای برخی مشکل پیدا می شود.

وجه دوم مشابهت قوی: مورد ما مشابهت زیادی دارد با مثال هایی که علما از قبیل تزاحم گرفته اند مثل کسی که قدرت بر قیام دارد ولی فقط برای یک رکعت، قدرت بر روزه دارد فقط برای یک روز، قدرت بر ادای دین دارد فقط برای یک دین. جواب این وجه هم این است که صرف یک شباهت باعث الحاق نمی شود و باید به محکم رجوع کنیم و به نظر ما نمی شود بین این سه دلیل باهم جمع کرد پس حق با مرحوم خوئی است. البته ایشان گفت لم يتضح لنا وجه ولی ما گفتیم که وجه دارد ولی وجهی که به کرسی بنشینند نبود.

وقتی که گفتیم تعارض است در این جا یا دست از روایت 26 شتر برمی داریم اگر روایت المال الواحد لایزکی فی عام واحد مرتین قوی تر باشد و هجده ماه بعد (یعنی آخر ذی حجه در مثال ما) یک بنت مخاض می دهد یا به دلیل روایت بنت مخاض عمل می کنیم و روایت المال الواحد را استثنا می کنیم و کنار می گذاریم. سنجه هم اهم و مهم نیست بلکه قوت و ضعف دلیل است و اگر به جایی نرسیدیم این ها تعارضا تساقطا می رویم به سراغ اصول عملیه می رویم.